دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۳ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۴ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق



اصلاح‌طلبان، ماکارونی را تحریم کردند

اصلاح‌طلبان افزایش قیمت ماکارونی به ۲۴ هزار تومان در دولت سیزدهم را نشانه بی‌کفایتی رئیسی می‌دانستند، اما درباره ماکارونی ۱۶۰ هزار تومانی در دولت پزشکیان سکوت کرده‌اند. اعتراض رسانه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب به گرانی ماکارونی در دولت شهید رئیسی و بررسی علت سکوت آنها درباره افزایش ۶ برابر قیمت ماکارونی در دولت پزشکیان را بازخوانی کردیم.

رئیس محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع دیوان محاسبات:

حکم انفصال محمد شریعتمداری باید فوراً اجرا شود

حجت‌الاسلام والمسلمین صادق رحیمی، رئیس محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع دیوان محاسبات، در گفتگو با سرپرست وزارت نفت، بر ضرورت اجرای فوری حکم انفصال محمد شریعتمداری، مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس، تأکید کرد.

وی با غیرقانونی دانستن ادامه فعالیت محمد شریعتمداری در جایگاه مذکور، تصریح کرد: از زمان صدور و ابلاغ حکم انفصال، هرگونه مداخله، اعمال اختیار، امضا و اقدام اداری یا مالی از سوی نامبرده، فاقد وجاهت قانونی بوده و می‌تواند مصداق دخل و تصرف غیرمجاز در اموال عمومی تلقی شود.

رئیس محکمه تجدیدنظر و حاکم شرع دیوان محاسبات همچنین مسئولیت مستقیم هرگونه تأخیر یا استنکاف از اجرای حکم و استمرار اقدامات مورد اشاره را متوجه سرپرست وزارت نفت دانست و بر لزوم اتخاذ تدابیر فوری برای جلوگیری از هرگونه اقدام مغایر با مفاد حکم تأکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمی در پایان با تأکید بر ضرورت اجرای بی‌درنگ این تصمیم اعلام کرد که موضوع باید فورا تعیین تکلیف و حکم صادرشده بدون هرگونه تأخیر اجرایی شود.

در جریان این گفت‌وگو، حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، نیز ضمن اعلام تعهد به اجرای حکم صادرشده، تأکید کرد که فرآیند اجرای آن در دستور کار فوری است و فرد جایگزین برای تصدی مسئولیت مربوطه، در اسرع وقت معرفی خواهد شد.



پوردهقان، نماینده مجلس:

میدری باید در خصوص هزینه ۱۵۰۰ میلیارد تومانی تبلیغات در شستا به مجلس توضیح دهد

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در گفت‌وگو با «خانه اقتصاد» با انتقاد از صرف ۱۵۰۰ میلیارد تومان هزینه تبلیغات در شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) اظهار کرد: صرف شدن ۱۵۰۰ میلیارد تومان برای تبلیغات در شستا، جای بررسی و نظارت دارد. این می‌تواند یک موضوع نظارتی در مجلس باشد که وزیر تعاون در این خصوص برای ما توضیح دهد. وی خاطرنشان کرد: این مقدار بریز و بپاش در شستا خیلی قصه تلخ نگران کننده‌ای است و باید براساس توضیح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این خصوص قضاوت نهایی را انجام دهیم.



دلیل قطعی برق اعلام شد

براساس اعلام توانیر، محدودیت‌های برق ناشی از کمبود سوخت نیروگاه‌ها اعمال می‌شود. به گزارش خبرگزاری فارس؛ محمدالله‌داد مدیرعامل توانیر اعلام کرد: اگر مردم صنایع و کسب و کارها صرفه‌جویی نکنند، محدودیت‌هایی در برق اعمال می‌شود. طبق گزارش وزارت نیرو با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده در تأمین سوخت نیروگاه‌ها و ضرورت مدیریت شرایط تأمین انرژی، صنعت برق از ابتدای آذرماه ناگزیر به اعمال برخی محدودیت‌ها در تأمین برق خواهد بود. این محدودیت‌ها صرفاً در پی محدودیت تأمین سوخت نیروگاهی و با هدف مدیریت منابع موجود و حفظ پایداری شبکه برق کشور اعمال می‌شود. تاکید می‌شود: اطلاع‌رسانی به مشترکان مشمول این محدودیت‌ها، پیش از اعمال آن، از طریق اعلان اپلیکیشن «برق من» و همچنین ارسال اعلان (نوتیفیکیشن) در پیام‌رسان «بله» انجام خواهد شد. شرکت توانیر ضمن پوزش و عذرخواهی تأکید کرد: اعمال این محدودیت‌ها تصمیمی ناگزیر در شرایط محدودیت تأمین سوخت نیروگاه‌هاست.



چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۴



قمار بر سر مسیرهای شرق؛

هزینه ژئوپلیتیک محاصره ایران

رقابت بر سر کریدورهای تجاری، جایگاه ایران را برای افغانستان، پاکستان و ترکمنستان آشکار کرده است. راه‌آهن خواف-هرات، دسترسی به چابهار، مسیرهای ترانزیتی پاکستان و پیوندهای آسیای مرکزی، همگی به گشودگی مرزهای ایران وابســـته‌اند. بی ثباتی یا انسداد این مسیرها، همسایگان شرقی ایران را نیز متضرر می کند.

در سال‌های اخیر نبرد بر سر کریدورهای تجاری به بخش مهمی از رقابت بین قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده که نقش مهمی در دوره گذار از جهان سنتی غرب‌مدار به جهان چندقطبی دارد. از همین‌رو کشورهای مدعی مانند ایران در تلاش هستند که سهم بزرگی از این رقابت را جذب و نقش پررنگی داشته باشند؛ به‌ویژه که ایران خود نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی در اتصال شرقی-غربی و شمالی-جنوبی مورد طمع غرب بوده که یکی از اهداف جنگ اخیر را می توان در این راستا توضیح داد.

در این میان، نیمه شرقی ایران و همسایگان آن یعنی افغانستان، پاکستان و ترکمنستان نیز به دلیل حلقه اتصالی آسیای مرکزی به جنوب آسیا از اهمیت بالایی برخوردار است. البته تحولات اخیر بین افغانستان و پاکستان و گسترش تنش دوجانبه پیامدهای ژئواکونومیکی نیز داشته و درواقع باعث نزدیکی بیشتر به تهران شده است. به نوعی وابستگی آنها به ایران افزایش یافته که در ادامه به آن پرداخته می شود. بنابراین هرگونه بازی آنها در پروژه محاصره زمینی ایالات متحده برای فشار وارد آوردن بر تهران، درواقع آسیب راهبردی را متوجه خود آنها خواهد کرد.

خواف-هرات و مسیر چابهار

دولت طالبان پس از بازگشت مجدد به قدرت توجه ویژه‌ای به تقویت روابط با همسایگان داشته و سعی در همکاری در کریدورهای تجاری دارد که نمونه بارز و تاثیرگذار آن، افتتاح راه‌آهن خواف-هرات است. در دسامبر ۲۰۲۰، ایران و افغانستان نخستین خط آهن مرزی بین دو کشور را افتتاح کردند. کار بر روی این خط آهن ۲۲۵ کیلومتری در سال ۲۰۰۷ آغاز شد که خواف در شرق ایران را به هرات در غرب افغانستان متصل می کند. راه‌آهن خواف-هرات نه فقط تجارت افغانستان با ایران یا اقتصاد افغانستان را تقویت خواهد کرد، بلکه برای ایران و مجموعه‌ای از کشورهای فراتر از آن، از جمله تاجیکستان، قرقیزستان، چین و هند، ارزش راهبردی دارد.

در سال‌های اخیر، تجارت ایران با افغانستان رو به افزایش بوده و تهران از سال ۲۰۱۷ جای پاکستان را به عنوان شریک تجاری برتر افغانستان گرفته است. بهبود ارتباطات زمینی، از جمله بزرگراه دلارام-زرنج، رشد این تجارت را تسهیل کرده است. در حال حاضر، محموله‌های افغانستان از طریق شبکه جاده‌ای ایران از طریق جاده به بندر چابهار و سایر شهرهای ایران حمل می‌شوند. اما راه‌آهن خواف-هرات این تجارت را بیشتر تقویت خواهد کرد و بر اساس برآوردها، سالانه ۶ میلیون تن بار و یک میلیون مسافر را حمل خواهد کرد.

اکنون محموله‌های ریلی افغانستان به جای کامیون‌های معمولی، به شبکه راه‌آهن ایران دسترسی پیدا می کنند تا نه فقط به شهرهای ایران، بلکه به بنادر دریایی خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر و بنادر زمینی در غرب و شمال غربی ایران نیز برسند و از آنجا به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند. درواقع مهمترین مزیت اتصال ریلی بین ایران و افغانستان اتصال کابل به بنادر جنوبی ایران به‌ویژه چابهار است. باید توجه داشت که افغانستان با ارزش تخمینی ۳ تریلیون دلار، یکی از ثروتمندترین کشورها در حوزه معادن است. از همین رو افغانستان با بهره‌گیری از ظرفیت بنادر ایرانی می تواند در صادرات مواد معدنی به‌ویژه به هند، درآمدهای ارزی خود را افزایش و پذیرش بین‌المللی را تقویت کند. این همکاری با تیره شدن روابط با پاکستان و عدم دسترسی به بنادر آن مانند گوادر می تواند در آینده گسترش یابد. بنابراین در صورت انسداد مرزهای ایران خود افغانستان بزرگترین بازنده این امر خواهد بود.

گره خوردگی راهبردی اسلام‌آباد با ایران

برای پاکستان نیز ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است. تجارت دوجانبه تقریباً به ۲.۸ میلیارد دلار می رسد که برای ۵ میلیارد دلار هدف‌گذاری شده اما ارزش راهبردی بسیار فراتر از این رقم است. این کشور مسیر زمینی به اقیانوس هند را برای ایران فراهم می کند و در ماه آوریل، اسلام‌آباد شش مسیر را برای اتصال بنادر کراچی و گوادر به گذرگاه‌های زمینی با ایران افتتاح کرد. علاوه بر این، نقش دیپلماتیک پاکستان در میانجیگری بین واشنگتن و تهران نیز اهمیت پاکســـتان را برای ایران ترکیبی از جغرافیا، تجارت و سیاست می کند. در مقابل، ایران نقش بسزایی در بلندپروازی راهبردی اسلام‌آباد دارد. این کشور در سال‌های اخیر برای افزایش نفوذ اقتصادی خود در آسیای مرکزی خیز بلندی برداشته که با انسداد مرزهای افغانستان این امر فقط از طریق ایران محقق می شود.

علاوه بر این، مرزهای گشوده ایران دسترسی این کشور به ترکیه را در نهایت فراهم می کند. در این راستا، سه کشور بنیان‌گذار سازمان همکاری اکو کریدور ریلی استانبول-تهران-اسلام‌آباد (ITI) را راه‌اندازی کردند. هرچند این مسیر رونق کافی را ندارد اما در صورت تأمین بار می تواند بستر مناسبی برای اتصال به بازارهای اروپا را فراهم کند. همچنین منطقه قفقاز به دلیل رابطه راهبردی با آذربایجان برای پاکستان از اهمیت دوچندان برخوردار است که باز هم مرزهای ایران برای این امر نقش کلیدی دارند. سال گذشته، مقامات ریلی سه کشور آذربایجان، ایران و پاکستان نشستی در راستای اتصال قفقاز جنوبی به آسیای جنوبی از طریق ایران برگزار کردند.

درمجموع، گشودگی مرزهای ایران نه فقط در تأمین کالاهای اساسی به‌ویژه گاز مایع (LPG)، مهم است، بلکه سیاست خارجی پاکستان به نوعی به آنها گره خورده که هرگونه همسویی با ایالات متحده تمام آن را نقش بر آب خواهد کرد و با توجه به مرزهای تقریباً تعطیل با هند و افغانستان، اقتصاد آن را در سراشیبی قرار خواهد داد.

ترکمنستان در دوراهی کریدورهای ترانزیتی

دیگر همسایه نیمه شرقی کشور، ترکمنستان است. عشق‌آباد به عنوان تنها کشور آسیای مرکزی که با ایران مرز زمینی دارد، اکنون خود را در یک دوراهی راهبردی می بیند. در اواسط ماه اوت، ترکمنستان از پروژه‌های زیرساختی حمل‌ونقل اخیر و در حال اجرا رونمایی کرد که هدف اصلی آن‌ها، افزایش جریان بار به سمت ایران و درنهایت هند است. این توسعه زیرساختی شامل بزرگراه ۶۰ کیلومتری «عشق‌آباد-ترکمن‌آباد» می شود که اخیراً تکمیل شده است. این مسیر حیاتی، پایتخت را به مناطق شرقی کشور و مرز ازبکستان متصل می کند. در همین راستا، ترکمنستان برای تقویت ارتباطات ترانزیتی با قزاقستان، یک پل جاده‌ای عظیم بر روی خلیج «قره‌بوغاز» احداث کرده است. این سازه مهندسی ساز، قابلیت تحمل کامیون‌هایی با وزن تا ۵۰ تن را دارد. پیش‌بینی می شود این پروژه، ظرفیت ترانزیتی مسیر را تقریباً هفت برابر افزایش داده و زمان سفر را به نصف کاهش دهد. بخشی از کارکرد این مسیر، تسهیل حمل بار از قزاقستان و روسیه به سمت جنوب و در ادامه به مقصد ایران و هند در نظر گرفته شده است.



اصلاح‌طلبان، ماکارونی را تحریم کردند

■ بازخوانی اعتراض رسانه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب به گرانی ماکارونی در دولت شهید رئیسی و بررسی علت سکوت آنها درباره افزایش ۶ برابر قیمت ماکارونی در دولت پزشکیان

■ اصلاح‌طلبان افزایش قیمت ماکارونی به ۲۴ هزار تومان در دولت سیزدهم را نشانه بی‌کفایتی رئیسی می‌دانستند اما درباره ماکارونی ۱۶۰ هزار تومانی در دولت پزشکیان سکوت کرده‌اند

گزارش

در اردیبهشت ۱۴۰۱، افزایش قیمت آرد صنعتی و ماکارونی به یکی از سوژه‌های اصلی انتقاد رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی از دولت سیزدهم تبدیل شد. در آن مقطع قیمت ماکارونی ۷۰۰ گرمی به ۲۴ هزار تومان رسید. افزایش قیمت این کالای مصرفی به‌قدری خبرساز شد که رئیس مجلس، نمایندگان منتقد دولت، رسانه‌های اصلاح‌طلب، روزنامه‌های غربگرا و چهره‌های سیاسی، هر یک از زاویه‌ای به این موضـــوع پرداختند؛ برخی از گرانی ماکارونی به‌عنوان نشانه شکست سیاست اقتصادی دولت شهید رئیســـی یاد کردند، برخی آن را نتیجه حذف یارانه آرد دانستند و برخی نیز با تیترها و مطالب طنزآمیز، دولت را به باد انتقاد گرفتند. حتی برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب، گران شدن ماکارونی را نشانه بی‌کفایتی رئیسی خواندند و از او خواستند اگر نمی تواند بازار را کنترل کند از دولت کنار برود.

اما اکنون که افزایش قیمت ماکارونی در دولت مسعود پزشکیان نیز به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده و قیمت این محصول نسبت به رقم پایان دولت سیزدهم ۶ برابر شده و بسته ۷۰۰ گرمی به ۱۶۰ هزار تومان رسیده است، پرسش مهمی مطرح می شود: رسانه‌ها و چهره‌هایی که در دولت رئیسی گرانی ماکارونی را به تیتر اول و موضوع حمله سیاسی تبدیل می کردند، امروز در برابر گرانی شدیدتر این محصول چه موضعی دارند؟ آیا همان حساسیت، همان تیترها و همان اعتراض‌ها تکرار می شود یا معیار انتقاد، با تغییر دولت تغییر کرده است؟

این گزارش با بازخوانی مواضع ثبت‌شده در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱، نام رسانه‌ها و چهره‌های منتقد شهید رئیسی در آن دوره را گردآوری کرده تا امکان مقایســـه رفتار رسانه‌ای و سیاسی اصلاح‌طلبان فراهم شود.

در اردیبهشت ۱۴۰۱، افزایش قیمت ماکارونی به یکی از سوژه‌های اصلی حمله رسانه‌های اصلاح‌طلب به دولت شهید رئیسی تبدیل شد. رسانه‌هایی که آن روزها از «ماکارونی غذای لاکچری شد» می نوشتند، قیمت‌گذاری ماکارونی را زیر سؤال می بردند، از بی‌کفایتی دولت رئیسی سخن می گفتند و افزایش قیمت یک بسته ماکارونی را نشانه کوچک شدن سفره مردم و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت معرفی می کردند، امروز در برابر افزایش چند برابری قیمت همین محصول در دولت پزشکیان، واکنش و اعتراض مشابهی نشان نمی دهند.

در اردیبهشت ۱۴۰۱، قیمت بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی به ۲۴ هزار تومان رسید. همین افزایش قیمت کافی بود تا رسانه‌هایی همچون خبرآنلاین، اقتصادنیوز، آفتاب‌نیوز، تجارت‌نیوز، دنیای اقتصاد، عصر ایران، جمهوری اسلامی، اعتماد، شرق و دیگر رسانه‌های اصلاح‌طلب، موجی از گزارش‌ها، تیترها، مطالب طنز و انتقادهای سیاسی علیه دولت رئیسی به راه بیندازند. ماکارونی در آن مقطع از یک کالای مصرفی به نماد بی‌کفایتی دولت رئیسی و فشار معیشتی مردم تبدیل شد.

اما اکنون که قیمت بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی به ۱۶۰ هزار تومان رسیده اســـت؛ یعنی بیش از ۶ برابر قیمت ۲۴ هزار تومانی اردیبهشت ۱۴۰۱، خبری از آن حجم از تیترهای اعتراضی، فریادهای رسانه‌ای و حملات سیاسی نیست. همان رسانه‌ها و چهره‌هایی که در دولت رئیسی گرانی ماکارونی را دستاویز حمله به دولت قرار می دادند، در برابر گرانی چند برابری این محصول در دولت پزشکیان، عملاً از موضع سابق فاصله گرفته‌اند.

ماکارونی ۲۴ هزار تومانی؛ سوژه حمله به دولت رئیسی

در اردیبهشت ۱۴۰۱، افزایش قیمت ماکارونی به یکی از محورهای پرتکرار رســـانه‌های اصلاح‌طلب و منتقد دولت تبدیل شد. تجارت‌نیوز با تیتر «ماکارونی غذای لاکچری شد!» از افزایش قیمت و دشوار شدن خرید این محصول برای خانوارها نوشت. قیمت یک بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی ۲۴ هزار تومان اعلام شده بود و اعتراض مردم به افزایش قیمت مواد غذایی، محدود بودن رشد حقوق و دستمزد و نگرانی از گرانی سایر محصولات وابسته به آرد در گزارش این رسانه بازتاب پیدا کرد.

عصر ایران نیز با مقایسه قیمت ماکارونی در ایران و ترکیه، منطق قیمت‌گذاری را زیر سؤال برد و پرسید چرا ماکارونی در ایران با قیمتی بالاتر از نمونه مشابه در ترکیه عرضه می شود. این رسانه افزایش قیمت را از منظر اقتصادی و قدرت خرید مصرف‌کننده مورد انتقاد قرار داد.

آفتاب‌نیوز نیز با تیتر «افزایش شدید قیمت ماکارونی با تصمیم دولت رئیسی؛ هر بسته ۳۴ هزار تومان!» افزایش قیمت را مستقیماً به تصمیم دولت نسبت داد. این رسانه در گزارش دیگری درباره افزایش قیمت نان‌های فانتزی، از سرایت موج گرانی به سایر محصولات آردی ابراز نگرانی کرد.

شفقنا نیز با تیتر «غذاهای ساده لاکچری شدند» به تأثیر گرانی آرد و ماکارونی بر سبد غذایی کارگران پرداخت و از دشوار شدن تهیه غذاهای معمولی برای اقشار کم‌درآمد نوشت.

انتخاب هم با انتشار گزارشی درباره صادرات ۳۰۰ هزار تن ماکارونی با آرد دولتی، تناقض میان افزایش قیمت محصول در بازار داخلی و استفاده از آرد یارانه‌ای در تولید صادراتی را مورد سؤال قرار داد. خبرآنلاین نیز با انتشار کاریکاتور «ماکارونی هم به گوشت و مرغ رســـید!» افزایش قیمت این محصول را به زبان طنز به تصویر کشید و از رئیسی انتقاد کرد. خبرآنلاین همچنین در مطلب دیگری مدعی شد که افزایش قیمت ماکارونی نشانه بی‌کفایتی رئیسی است.

دنیای اقتصاد و اعتمادآنلاین نیز با انتشار مطالبی از جمله «ماکارونی ۲۴ هزار تومانی، دستپخت جدید دولت» افزایش قیمت را نشانه ضعف دولت رئیسی دانستند.

درمجموع، افزایش قیمت ماکارونی در دولت رئیسی بهانه‌ای برای حمله رسانه‌ای به دولت، زیر سؤال بردن سیاست‌های اقتصادی، متهم کردن مسئولان به بی‌کفایتی و هشدار درباره کوچک شدن سفره مردم بود.

اصلاح‌طلبان؛ منتقدان پرصدای ماکارونی در دولت رئیسی

انتقاد از گرانی ماکارونی تنها به رسانه‌ها محدود نبود و برخی چهره‌های اصلاح‌طلب نیز با مواضع صریح و کنایه‌آمیز به افزایش قیمت این محصول واکنش نشان دادند.

عباس عبدی با انتقاد از دوگانگی رفتار سیاســـی منتقدان دولت روحانی و دولت رئیسی، افزایش قیمت‌ها را به تناقض در مواضع سیاسی پیوند زد و یادآور شد اگر دولت روحانی چنین افزایش قیمت‌هایی را اعمال می کرد، نواصولگرایان حملات شدیدی علیه او به راه می انداختند.

رحمت‌الله بیگدلی نیـــز با کنایه مستقیم به افزایش قیمت ماکارونی در دولت رئیســـی نوشت: «حالا رئیسی نیامده، سه تا ماکارونی را کرده ۱۰۲ هزار تومـــان! آیا با این دولت انقلابی رئیســـی به خرید نخی ماکارونی نزدیک می شویم؟»

علی شکوری‌راد، سخنگوی وقت جبهه اصلاحات، نیـــز از نگرانی اعضای جبهه نسبت به تورم، گرانی افسارگسیخته ارزاق عمومی و فشار معیشتی مردم خبر داد و ناپختگی سیاســـت‌های اقتصادی دولت و مجلس را مورد انتقاد قرار داد.

مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، نیز در آن مقطع از گرانی و کمبود ماکارونی و روغن انتقاد کرد و عملکرد دولت رئیسی را زیر سؤال برد.

در آن مقطع، هادی حق‌شناس که هم‌اکنون در دولت پزشکیان استاندار شده، از حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت آرد و ماکارونی انتقاد کرده بود.

محمدتقی فاضل میبدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، نیز در انتقاد از افزایش قیمت نان، گوشت و برنج، دولت رئیسی را به دلیل گرانی‌های بی سابقه مورد انتقاد قرار داد و به استدلال دولت درباره گرانی آرد و ماکارونی برای جلوگیری از قاچاق اعتراض کرد.

در همین زمینه، جلیل رحیمی جهان‌آبادی، که اکنون در دولت پزشکیان سفیر شده، با تاکید بر اینکه آزاد کردن قیمت آرد و محاسبه آن با نرخ جهانی یک اشتباه فاحش مدیران دولت رئیسی است، هشدار داد: «صبر مردم را آزمایش نکنیم، آستانه تحمل مردم سال‌هاست به پایین‌ترین حد ممکن رسیده است.»

محمدجواد آذری جهرمی، مشاور انتخاباتی پزشکیان، هم از منتقدان گرانی ماکارونی در دولت شهید رئیسی بود و گفت: آنچه از اقدامات و سخنان دولت سیزدهم مشخص است، سیاست اقتصادی آنها، حرکت خاموش به سمت پیاده‌سازی ناقص اقتصاد نئولیبرالیستی با شعارهای انقلابی است. این مدل کارکرد به دلیل پیاده‌سازی ناقص، نه دستاوردهای مثبت اقتصاد لیبرالی را به همراه خواهد داشت، نه به بهبود عدالت اجتماعی منجر خواهد شد.

این مواضع در کنار گزارش‌های رســـانه‌های اصلاح‌طلب، نشان می دهد گرانی ماکارونی در دولت رئیسی تا چه اندازه به سوژه‌ای برای انتقاد سیاسی، رسانه‌ای و تخریب عملکرد دولت تبدیل شده بود.

ماکارونی ۱۶۰ هزار تومانی؛ چرا صدای منتقدان خاموش است؟

اکنون قیمت یک بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی به ۱۶۰ هزار تومان رسیده است؛ اگر در دولت رئیسی افزایش قیمت ماکارونی به ۲۴ هزار تومان، «لاکچری شدن غذا»، «بی‌کفایتی دولت» و «دستپخت جدید دولت» تعبیر می شد، انتظار می رفت افزایش چند برابری قیمت همین محصول در دولت پزشکیان نیز با همان حساسیت رسانه‌ای و اعتراض سیاسی روبه‌رو شود.

اما در بررسی واکنش‌های رســـانه‌ای و سیاسی، آن حجم از اعتراض، تیترهای تند و حملات مشابه به دولت پزشکیان مشاهده نمی شود. رسانه‌هایی که آن روزها افزایش قیمت ماکارونی را به مسئله‌ای سیاسی تبدیل کرده بودند، امروز در برابر قیمت ۱۶۰ هزار تومانی همان محصول، از موضع و ادبیات سابق فاصله گرفته‌اند.

این سکوت، بیش از آنکه پرسشی درباره قیمت ماکارونی باشد، پرسشی درباره معیارهای دوگانه در نقد دولت‌هاست: آیا گرانی زمانی که دولت رئیسی مسئول است، نشانه بی‌کفایتی و بحران مدیریتی محسوب می شود، اما وقتی در دولت پزشکیان رخ می دهد، دیگر آن حساسیت و اعتراض ضرورت ندارد؟

اکنون همان محصول با قیمـــت چند برابری در بازار عرضه می شود. اگر معیار نقد، فشار گرانی بر مردم و کوچک شدن سفره خانوار باشد، تفاوت دولت‌ها نباید موجب تفاوت در حساسیت رسانه‌ای شود.

گرانی، چه در دولت رئیسی و چه در دولت پزشکیان، مستقیماً قدرت خرید مردم را هدف می گیرد. نمی توان در یک دولت، افزایش قیمت ماکارونی را نشانه بی‌کفایتی و سوء مدیریت دانست، اما در دولت دیگر، در برابر چند برابر شدن قیمت همان کالا، سکوت کرد یا از کنار آن گذشت.

این همان آزمونی است که رسانه‌های مدعی حمایت از معیشت مردم امروز با آن مواجه‌اند: آیا انتقاد از گرانی، یک اصل حرفه‌ای و مستقل است یا ابزاری برای حمله به دولت‌های رقیب؟ حالا که ماکارونی در دولت پزشکیان گران شده، منتقدان دیروز کجا هستند؟

اگر افزایش قیمت ماکارونی در دولت رئیسی، از نگاه برخی رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب، نماد بی‌تدبیری اقتصادی، فشار بر مردم و ناکارآمدی دولت بود، انتظار طبیعی آن است که همان معیار در دولت پزشکیان نیز به کار گرفته شود.

نمی توان در یک دولت، افزایش قیمت ماکارونی را نشانه فاجعه اقتصادی دانست، تیترهای تند زد، از «غذای لاکچری شدن» نوشت و با هر افزایش قیمت، دولت را مسئول مستقیم کوچک شدن سفره مردم معرفی کرد، اما در دولت دیگر، همان کالا و همان فشار معیشتی را با سکوت، توجیه یا بی‌اعتنایی رسانه‌ای مواجه ساخت.

اگر افزایش قیمت ماکارونی در دولت رئیسی، از نگاه برخی رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب، نماد بی‌تدبیری اقتصادی، فشار بر مردم و ناکارآمدی دولت بود، انتظار طبیعی آن است که همان معیار در دولت پزشکیان نیز به کار گرفته شود

ناترازی انرژی، صنعت فولاد را با مشکل روبرو کرده است

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران اعلام کرد: ناترازی برق و گاز، افزایش بی سابقه ۳.۵ برابری قیمت انرژی در یک سال گذشته و محدودیت‌های حمل‌ونقل، تولید و صادرات فولاد کشور را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است و ادامه این روند می تواند شرکت‌های فولادی را با زیان‌های سنگین مواجه کند.

احمد دنیانور در گفت‌وگو با ایرنا با تشریح وضعیت این صنعت اظهار کرد: صنعت فولاد کشور در سال‌های گذشته از معدود صنایعی بوده که توانسته مطابق اهداف پیش‌بینی شده در برنامه توسعه ۲۰ ساله کشور حرکت کند و به بخش قابل توجهی از اهداف تعیین‌شده دست یابد؛ با این حال، توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز، به‌ویژه در حوزه انرژی و حمل‌ونقل، متناسب با رشد ظرفیت تولید فولاد پیش نرفته است. وی افزود: یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز صنعت فولاد، ناترازی انرژی و محدودیت دسترسی به برق و گاز است.

وی در ادامه گفت: این صنعت طی سال‌های گذشته همواره با محدودیت برق در فصل تابستان و کمبود گاز در زمستان مواجه بوده و تحولات و آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌های انرژی کشور نیز بر شدت این مشکلات افزوده است. دنیانور با اشاره به افزایش قابل توجه قیمت انرژی تصریح کرد: مسئله نگران‌کننده این است که هم‌زمان با محدودیت در تأمین انرژی، قیمت آن نیز به‌شدت افزایش یافته است؛ به‌طوری که طبق آمار ارائه‌شده، قیمت انرژی طی شش سال گذشته ۵۳ برابر و در یک سال اخیر حدود سه ونیم برابر شده است.

وی تصریح کرد. این شرایط در کنار کاهش ساعات تولید ناشی از محدودیت انرژی، فشار اقتصادی سنگینی بر شرکت‌های فولادی وارد کرده و برخی واحدها را در معرض زیان‌های جدی و حتی خطر ورشکستگی قرار داده است.

ضرورت اصلاح نگاه دولت به صنعت فولاد

دبیر انجمـــن تولیدکنندگان فـــولاد ایران یکی از ماموریت‌های مهم این انجمن را اصلاح اطلاعات و برداشت‌های نادرست درباره وضعیت اقتصادی شرکت‌های فولادی دانست. دنیانور گفت: اطلاعات غیرواقعی و تحلیل‌های نادرستی در اختیار برخی بخش‌های دولتی از شرکت‌های فولادی قرار گرفته که بر اساس آن، صنعت فولاد از رانت و سودآوری بسیار بالا برخوردار تلقی می شود. چنین برداشتی می تواند زمینه‌ساز اتخاذ تصمیمات غیرکارشناسی و آسیب‌زا برای این صنعت باشد. وی تاکید کرد: تلاش انجمن این است که با ارائه اطلاعات دقیق، مستند و کارشناسی درباره شرایط واقعی واحدهای فولادی، تصویر صحیحی از وضعیت تولید، هزینه‌ها، محدودیت‌های انرژی و مشکلات اقتصادی این صنعت به دولت و تصمیم‌گیران منتقل شود تا سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای واقعیت‌های موجود انجام گیرد.



افت تولید فولاد و کاهش شدید صادرات

دنیانور با اشاره به آثار محدودیت‌های انرژی بر عملکرد تولیدی صنعت فولاد گفت: در سال جاری، مجموع تولید فولاد کشور به‌شدت تحت تأثیر کمبود برق و گاز قرار گرفته و تولید از ابتدای سال تاکنون به حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیون تن رسیده است. با توجه به شرایط موجود، دستیابی به تولید ۳۰ میلیون تن تا پایان سال دور از انتظار است. وی عنوان کرد: برآوردها نشان می دهد تولید کشور در صنعت فولاد تا پایان امسال در محدوده ۲۰ تا ۲۵ میلیون تن باقی بماند. وی از کاهش قابل توجه صادرات فولاد خبر داد و بیان کرد: صادرات فولاد کشور نیز با افت شدیدی مواجه شده و در برخی شاخص‌ها به حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است. البته محدودیت‌های انرژی تنها عامل این کاهش نیست و شرایط جنگی، مشکلات ترانزیت و حمل‌ونقل و اختلال در مسیرهای صادراتی نیز بر عملکرد صادراتی شرکت‌ها تأثیر گذاشته است.

۱۸ میلیارد دلار ارزش از دست‌رفته در صنعت فولاد

دبیر انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران با اشاره به ابعاد خسارت اقتصادی ناشی از مشکلات صنعت فولاد خاطرنشان کرد: برآوردها نشان می دهد در سال گذشته حدود ۱۸ میلیارد دلار ارزش اقتصادی و سود بالقوه در این صنعت از دست رفته است؛ این رقم نشان‌دهنده ابعاد خسارت ناشی از محدودیت‌های تولید و مشکلات زیرساختی است.

دنیانور تاکید کرد: دولت باید با درک واقعیت‌های اقتصادی صنعت فولاد، برای رفع ناترازی انرژی، اصلاح سیاست‌های قیمت‌گذاری، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و حمایت از تداوم تولید چاره‌اندیشی کند؛ چراکه تداوم شرایط فعلی نه‌تنها بنگاه‌های فولادی، بلکه صادرات، ارزآوری و اقتصاد کشور را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۴

اخبار



ناترازی گاز و زنگ خطر مصرف

همزمان با کاهش ظرفیت تولید پس از حمله به تأسیسات پارس جنوبی، مسئولان بر شروع اصلاح الگوی مصرف از دستگاه‌های دولتی و مشارکت مردم در صرفه‌جویی تأکید می‌کنند. ناترازی گاز در آستانه فصل سرد سال در حالی به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های سیاستگذاران انرژی تبدیل شده است که به گفته مسئولان، حمله دشمن به تأسیسات گازی کشور حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید روزانه را از مدار خارج کرده و بخشی از آن هنوز بازنگشته است. در این شرایط، کارشناسان و مسئولان، مدیریت مصرف و صرفه‌جویی ۱۰ تا ۲۰ درصدی را مهمترین راهکار عبور از روزهای اوج مصرف می‌دانند.

کاهش ۲۳۰ میلیون مترمکعبی تولید و بازگشت تدریجی ظرفیت

رئیس جمهور در کنگره پیشگامان رهایی با اشاره به فشارهای تحریمی و محاصره اقتصادی گفت: دشمن می‌خواهند با محاصره و تحریم ما را وادار به تسلیم کنند؛ ما باید هم زندگی و توسعه را ادامه بدهیم و هم توان تحمل این فشارها را بالا ببریم. وی با تأکید بر اینکه مشکل انرژی کشور تنها کمبود منابع نیست، افزود: در حوزه برق، گاز، بنزین و گازوئیل امکان کاهش مصرف وجود دارد؛ مشکل فقط کمبود منابع نیست، بخشی از مسئله به نوع مدیریت و الگوی مصرف ما برمی‌گردد.

رئیس جمهور با اشاره به جایگاه ایران در ذخایر گازی جهان تصریح کرد: ما دومین دارنده گاز جهان هستیم اما باز هم با مشکل مواجه می‌شویم؛ این یعنی در شیوه مصرف و استفاده از انرژی اشکال داریم. پزشکیان در ادامه با اشاره به راهکارهای ساده کاهش مصرف گفت: لازم نیست همه چراغ‌ها روشن باشد یا همه اتاق‌ها را بیش از حد گرم کنیم؛ می‌توان دمای محیط را پایین‌تر آورد و با مصرف کمتر انرژی زندگی کرد.

سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، با اشاره به حمله دشمن به تأسیسات گازی کشور در ۲۷ اسفند و از دست رفتن حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز، گفت: به لطف خداوند و با تلاش همکاران در بخش‌های مختلف صنعت نفت، به‌ویژه زنجیره تأمین و مجموعه‌های مستقر در عسلویه، حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت در کمتر از ۶ تا ۷ ماه به چرخه تولید بازگشت.

وی با بیان اینکه همچنان حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت از دست‌رفته باقی مانده است، افزود: کشور از سال‌های گذشته با ناترازی مزمن گاز روبه‌روست که در روزهای اوج مصرف به حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد. به گفته توکلی، مجموع این شرایط در روزهای سخت زمستان می‌تواند کسری گاز را به حدود ۴۰۰ تا ۴۳۰ میلیون مترمکعب در روز برساند.

رمضانعلی سنگدوینی، رئیس قرارگاه رفع ناترازی انرژی مجلس نیز با اشاره به روند بازسازی پالایشگاه‌های آسیب‌دیده پارس جنوبی گفت: «در پی آسیب به این پالایشگاه‌ها در جنگ تحمیلی سوم، روزانه ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور کاهش یافت که تاکنون ۱۰۰ میلیون مترمکعب آن جبران شده است.» وی پیش‌بینی کرد تا ابتدای آذر ۷۰ تا ۸۰ میلیون مترمکعب دیگر به تولید این پالایشگاه‌ها افزوده شود و مجموع تولید این بخش‌ها به ۱۸۰ میلیون مترمکعب در روز برسد.

آغاز مدیریت مصرف از خود دولت

مالک شریعتی، نماینده مجلس، با تأکید بر اینکه در مدیریت مصرف گاز، اولویت نخست باید بخش‌های حاکمیتی، دولتی و نهادهای عمومی باشند، گفت: سیاست‌های اصلاح مصرف باید از خود دولت آغاز شود.» وی همچنین خواستار اعمال سیاست‌های اختصاصی مدیریت مصرف برای بخش صنعت متناسب با شرایط آن شد و در بخش خانگی، به جای سیاست‌های تنبیهی و افزایش قیمت، بر استفاده از سیاست‌های تشویقی و ایجاد منافع اقتصادی برای خانوارها تأکید کرد. توکلی نیز در همین راستا اعلام کرد که با تأکید و دستور رئیس جمهوری و وزیر نفت، مدیریت مصرف از دستگاه‌های دولتی آغاز شده است تا این دستگاه‌ها به عنوان الگوی مصرف صحیح، در زمره مشترکان کم‌مصرف قرار گیرند. به گفته وی، اخطارهایی به تعداد زیادی از دستگاه‌های دولتی داده شده و حتی گاز برخی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها نیز قطع شده است. وزیر صمت نیز با اشاره به تفاوت مدیریت مصرف برق و گاز گفت: در بخش برق می‌توان برای مصارف خانگی خاموشی اعمال کرد، اما در بخش گاز امکان قطع گاز خانگی وجود ندارد. بنابراین صرفه‌جویی ابتدا باید در مراکز تجاری و سایر بخش‌ها انجام شود. به گفته وزیر صمت، اولویت‌ها باید بر اساس ارزش افزوده در سند مشخص و به شرکت گاز ابلاغ شود تا برنامه‌ریزی بر مبنای میزان موجود انجام گیرد. در همین راستا مدیرعامل شرکت گاز استان تهران از آغاز گشت‌های نظارتی مصرف گاز خبر داد و گفت: گاز اداره‌ها و اماکن عمومی متخلف در صورت تکرار تخلف قطع می‌شود.

هدف‌گذاری کاهش ۱۰ تا ۲۰ درصدی مصرف

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به آرایش مصرف گاز در زمستان و افزایش سهم بخش خانگی، تجاری و صنایع جز، گفت: کاهش ۱۰ تا ۲۰ درصدی مصرف هدف‌گذاری شده و مورد تأکید قرار گرفته است.» وی با تأکید بر اینکه شدت مصرف انرژی در ایران در مقایسه با ۱۷۰ کشور بررسی شده در جهان در بالاترین مقدار است، تصریح کرد: می‌توان بدون آنکه کیفیت زندگی مردم دچار مشکل شود، مصرف انرژی را کاهش داد. سنگدوینی نیز با اشاره به اینکه طبق اعلام مسئولان شرکت ملی گاز ایران، ۶۰ تا ۷۰ درصد مشترکان گاز در زمره مشترکان صرفه‌جو قرار دارند، ابراز امیدواری کرد با مشارکت مردم و صنایع، مصرف گاز کشور ۱۰ درصد کاهش یابد. وی درباره مشترکان پرمصرف هشدار داد که رعایت نکردن اصلاح الگوی مصرف می‌تواند به افزایش تعرفه گاز و اعمال محدودیت در تأمین گاز منجر شود. توکلی درباره سهم بخش‌های مختلف از مصرف گاز گفت: سالانه حدود ۳۰ تا ۳۳ درصد گاز مصرفی کشور به بخش صنعت اختصاص دارد و سهم نیروگاه‌ها نیز حدود ۳۰ تا ۳۳ درصد است؛ باقیمانده مصرف نیز به دیگر بخش‌ها تعلق دارد. وی تأکید کرد که مدیریت مصرف انرژی فقط به بخش گاز محدود نمی‌شود و همه بخش‌ها باید برای کاهش شدت مصرف انرژی همکاری کنند.

حجت‌الاسلام طائب، رئیس سازمان بسیج، با اشاره به اینکه دشمن بخشی از صنعت نفت و گاز کشور را هدف قرار داده است، گفت: سرمایه‌های مردم به جای سرگردانی در مسیرهای کاذب، باید در مسیر تولید کشور قرار بگیرد. وی با بیان اینکه ۱۳۵ میلیون لیتر بنزین در روز نیاز کشور است، تأکید کرد که کسری آن و همچنین رفع ناترازی در برق، آب، گاز و گازوئیل با صرفه‌جویی مردم امکان‌پذیر است. به گفته وی، بسیج باید درباره تأثیر صرفه‌جویی بر اقتصاد ملی به مردم آموزش دهد.

شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، در همایش هفته جهانی کارآفرینی با انتقاد از وضعیت فعلی انرژی کشور گفت: کشوری که رتبه نخست منابع نفت و گاز جهان را دارد، امروز با قطع برق و گاز مواجه است؛ مزیت ما به محدودیت تبدیل شده است. وی با اشاره به تبدیل کشور از صادرکننده سوخت به واردکننده، تأکید کرد: ناترازی مرکب ریشه در ناترازی حکمرانی دارد و ناترازی‌ها به یکدیگر سرایت می‌کنند. حسینی همچنین خواستار گفت‌وگو و پذیرش مسئولیت به جای مقصر دانستن دولت یا مجلس برای حل مشکلات کشور شد.



تقلیل تخصیص گاز به «قیمت» خطای راهبردی در توسعه صنعتی

گزارش

محمدجواد ساکت، رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی، معتقد است تقلیل الگوی تخصیص گاز به مقایسه سود صادرات خام با تولید متانول، خطای راهبردی است و متغیرهایی چون اشتغال، امنیت اقتصادی و تعهدات حاکمیتی را نادیده می‌گیرد. وی با تأکید بر ضرورت توسعه هدفمند زنجیره‌های پایین‌دستی و سرمایه‌گذاری مشترک، «تغییر مداوم مقررات» و «بی‌ثباتی مدیریتی» را از موانع اصلی تحقق ارزش افزوده در صنعت پتروشیمی دانست.

محمدجواد ساکت، رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی، در نخستین نشست از سلسله نشست‌های «زنجیره ارزش نفت و گاز» با موضوع «ارزیابی الگوی توسعه زنجیره ارزش متانول در ایران» با اشاره به ابعاد مختلف تخصیص منابع گازی کشور اظهار داشت: ارزیابی اقتصادی صنعت متانول نباید صرفاً به مقایسه قیمت فروش گاز طبیعی و درآمد حاصل از صادرات متانول محدود شود؛ زیرا تصمیم‌گیری درباره تخصیص گاز، علاوه بر ملاحظات اقتصادی، با مجموعه‌ای از اهداف صنعتی، اجتماعی و راهبردی ارتباط دارد.

وی در بخش‌های مختلف این نشست، ضمن دفاع از ضرورت بازنگری در الگوی توسعه زنجیره ارزش متانول، بر این نکته تأکید کرد که اصلاح سیاست‌ها باید بر اساس بررسی دقیق شرایط هر طرح، ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و وضعیت بازار محصولات پایین‌دستی صورت گیرد.

تخصیص گاز باید بر اساس مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی و صنعتی باشد

ساکت با اشاره به نقش دولت‌ها در هدایت توسعه صنعتی گفت: دولت‌ها برای تحقق اهداف خود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. این ابزارها ممکن است شامل تخصیص منابع طبیعی، اعطای مشوق، ایجاد محدودیت برای برخی فعالیت‌ها یا حمایت از صنایع منتخب باشد. به گفته وی، حتی در شرایطی که دولت می‌تواند از فروش یک منبع طبیعی درآمد بیشتری کسب کند، ممکن است آگاهانه بخشی از این درآمد را برای توسعه یک صنعت، ایجاد اشتغال یا دستیابی به اهداف بلندمدت اقتصادی کنار بگذارد. وی توضیح داد که گاز طبیعی نیز یکی از منابعی است که حاکمیت درباره نحوه تخصیص آن تصمیم می‌گیرد. در گذشته، حمایت از توسعه صنایع خوراک گازی و احداث واحدهای متانول بخشی از سیاست صنعتی کشور بوده و این تصمیم در شرایط همان دوره اتخاذ شده است.

ساکت با اشاره به نتایج توسعه صنعت پتروشیمی افزود: نمی‌توان همه تصمیمات گذشته را صرفاً با توجه به شرایط فعلی ارزیابی کرد. توسعه واحدهای پتروشیمی در دوره‌ای انجام شد که کشور با مسئله استفاده از منابع گازی و ایجاد ظرفیت‌های صادراتی مواجه بود و این سرمایه‌گذاری‌ها نیز دستاوردهای اقتصادی و صنعتی داشته‌اند. وی تأکید کرد که اکنون کمبود گاز به یکی از محدودیت‌های جدی اقتصاد کشور تبدیل شده، اما برای بررسی این مسئله باید به وضعیت مصرف گاز در بخش‌های مختلف، از جمله ساختمان و نیروگاه‌ها، نیز توجه کرد.

مقایسه قیمت گاز صادراتی و خوراک متانول کافی نیست

رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی با انتقاد از مقایسه‌های ساده میان صادرات گاز و تولید متانول گفت: ابتدا باید مشخص شود منظور از بهترین روش استفاده از گاز چیست و چه معیاری برای این انتخاب در نظر گرفته شده است. وی توضیح داد که اگر معیار تصمیم‌گیری صرفاً بیشترین درآمد حاصل از فروش هر مترمکعب گاز باشد، نتیجه با زمانی که اشتغال، امنیت اقتصادی، توسعه فناوری، گسترش صنایع دانش‌بنیان و ایجاد ظرفیت تولید صنعتی نیز در محاسبات لحاظ می‌شود، متفاوت خواهد بود.

ساکت معتقد است در تصمیم‌گیری درباره تخصیص گاز، نمی‌توان یک شاخص کمی را جایگزین مجموعه اهداف اقتصادی و صنعتی کرد. از نظروی، حتی اگر یک فعالیت صنعتی درآمد مستقیم کمتری نسبت به فروش ماده اولیه داشته باشد، ممکن است به دلیل آثار جانبی و ظرفیت‌هایی که در بخش‌های دیگر اقتصاد ایجاد می‌کند، برای کشور مطلوب باشد.

او همچنین به تفاوت توان پرداخت قیمت گاز در فعالیت‌های اقتصادی مختلف اشاره کرد و گفت: واحدهای صنعتی بر اساس نوع محصول، فناوری، هزینه‌های تولید و بازار فروش، توان متفاوتی برای خرید گاز دارند. ساکت برای توضیح این موضوع به معاملات گاز در بازار اشاره کرد و افزود: قیمتی که یک خریدار خاص برای مقدار محدودی گاز پرداخت می‌کند، الزاماً قیمتی نیست که بتوان تمام گاز مصرفی یک صنعت را با آن ارزش‌گذاری کرد.

به اعتقاد وی، افزایش حجم عرضه گاز به یک بازار نیز به معنای آن نیست که همه خریداران همچنان حاضر یا قادر به پرداخت همان قیمت خواهند بود. از این منظر، مقایسه درآمد حاصل از فروش مقدار محدودی گاز در یک بازار با درآمد حاصل از مصرف مقادیر بسیار بیشتر گاز در واحدهای صنعتی، بدون توجه به ظرفیت جذب بازار و تفاوت شرایط خریداران، می‌تواند به نتیجه‌گیری نادرست منجر شود.

دولت نمی‌تواند تعهدات سرمایه‌گذاری گذشته را نادیده بگیرد

ساکت در ادامه به مسئله ثبات تصمیمات حاکمیتی پرداخت و گفت: حتی اگر دولت در مقطعی به این نتیجه برسد که روش دیگری برای تخصیص منابع گازی مناسب‌تر است، باید تعهدات قبلی خود در قبال سرمایه‌گذاران را نیز در نظر بگیرد. وی توضیح داد که سرمایه‌گذاران بر اساس مجوزها، مشوق‌ها و وعده‌های تأمین خوراک وارد یک فعالیت صنعتی شده‌اند. بنابراین تغییر شرایط و اعلام اینکه تخصیص گاز به این فعالیت دیگر مطلوب نیست، نمی‌تواند بدون توجه به سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده صورت گیرد. به گفته او، تغییر مستمر تصمیمات و مقررات، نشانه بی‌ثباتی در محیط اقتصادی است و آثار آن صرفاً به صنعت متانول محدود نمی‌شود. ساکت تأکید کرد که سرمایه‌گذاری صنعتی، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ پتروشیمی، نیازمند افق زمانی بلندمدت است. در چنین شرایطی، فعال اقتصادی باید بتواند درباره تأمین خوراک، مشوق‌ها و مقررات مؤثر بر فعالیت خود پیش‌بینی نسبتاً پایداری داشته باشد.

وی تغییر مکرر مشوق‌های سرمایه‌گذاری را نیز از مشکلات موجود دانست و توضیح داد که دولت گاهی برای هدایت سرمایه به یک فعالیت، امتیازاتی تعیین می‌کند، اما پس از انجام سرمایه‌گذاری یا با تغییر اولویت‌های سیاستی، در همان امتیازات تجدید نظر می‌شود. از نگاه ساکت، چنین رویکردی اعتبار سیاست‌گذاری صنعتی را کاهش می‌دهد و می‌تواند سرمایه‌گذاران را از ورود به طرح‌های جدید منصرف کند.

توسعه زنجیره ارزش نیازمند انتخاب هدفمند محصولات نهایی است

رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی در بخش دیگری از سخنان خود، بر نقش حاکمیت در تعیین اولویت‌های توسعه صنعتی تأکید کرد. وی معتقد است دولت باید با انجام مطالعات امکان‌سنجی اقتصادی و بررسی ملاحظات غیراقتصادی، مشخص کند توسعه کدام زنجیره‌های تولید برای کشور مطلوب‌تر است. ساکت توضیح داد که در این تصمیم‌گیری باید مجموعه‌ای از پرسش‌ها بررسی شود؛ از جمله اینکه ایران قصد دارد با کدام بازارها تجارت کند، تسویه مبادلات با چه ارزهایی انجام می‌شود، ظرفیت همکاری با کدام کشورها وجود دارد و توسعه چه محصولاتی با روابط تجاری و منافع اقتصادی کشور سازگارتر است.

وی افزود: انتخاب یک محصول پایین‌دستی تنها به بررسی فناوری تولید یا سودیک واحد صنعتی محدود نمی‌شود؛ بلکه باید جایگاه آن محصول در شبکه تجارت خارجی و زنجیره‌های تولید نیز مشخص باشد. به گفته او، حاکمیت پس از تعیین اولویت‌ها می‌تواند با ابزارهایی مانند تخفیف خوراک یا دیگر مشوق‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری را به سمت زنجیره‌های منتخب هدایت کند.

ساکت با اشاره به مشوق‌هایی که برای توسعه برخی حلقه‌های تولید، از جمله تبدیل متانول به الفین‌ها، در نظر گرفته شده است، توضیح داد که هدف از این حمایت‌ها، اقتصادی کردن سرمایه‌گذاری در حلقه‌هایی بوده که بدون مشوق، جذابیت کافی برای بخش خصوصی نداشته‌اند. با این حال، وی بر ضرورت پایداری چنین مشوق‌هایی تأکید کرد و گفت: سرمایه‌گذار باید بتواند بر اساس شرایطی که در زمان تصمیم‌گیری اعلام شده، برنامه بلندمدت خود را تنظیم کند.

بی‌ثباتی مدیریتی مانع توسعه صنعت پتروشیمی شده است

ساکت یکی دیگر از موانع توسعه زنجیره ارزش را وضعیت مالکیت و مدیریت شرکت‌های پتروشیمی عنوان کرد. وی با اشاره به اینکه بخش قابل توجهی از صنعت پتروشیمی ایران در اختیار مجموعه‌های وابسته به نهادهای عمومی، صندوق‌ها و هلدینگ‌های بزرگ قرار دارد، گفت: ساختار مدیریتی این شرکت‌ها با شرکت‌های کاملاً خصوصی تفاوت دارد.

به گفته وی، تغییر مدیران در برخی هلدینگ‌های وابسته به نهادهای دولتی و عمومی بسیار سریع اتفاق می‌افتد؛ به‌گونه‌ای که در نمونه‌هایی، متوسط دوره مدیریت به حدود یک تا دو سال محدود می‌شود. ساکت این وضعیت را با ماهیت بلندمدت سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ناسازگار دانست و توضیح داد که مدیری که فرصت کافی برای تثبیت برنامه‌های خود ندارد، نمی‌تواند به‌درستی طرح‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ را پیگیری کند. ساکت برای نشان دادن تفاوت عملکرد شرکت‌ها، به شاخص ارزش فروش محصولات به ازای هر نیروی شاغل در چند مجموعه پتروشیمی اشاره کرد و گفت: اختلاف قابل توجه این شاخص میان شرکت‌ها نشان می‌دهد ساختار مدیریت، بهره‌وری نیروی انسانی و نحوه اداره بنگاه‌ها در عملکرد اقتصادی آنها مؤثر است. وی تأکید کرد که توسعه زنجیره ارزش صرفاً با انتخاب فناوری یا اختصاص منابع مالی محقق نمی‌شود و کیفیت حکمرانی شرکتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به اعتقاد ساکت، اگر قرار است صنعت پتروشیمی برنامه توسعه بلندمدت داشته باشد، باید تا حد امکان از تغییرات پی‌درپی مدیریتی در سطوح اجرایی جلوگیری شود.

ارزش افزوده محصولات پایین‌دستی می‌تواند چند برابر متانول خام باشد

رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به فرصت‌های توسعه زنجیره ارزش متانول گفت: ممکن است سودآوری یک واحد تولیدکننده متانول، در مقایسه با برخی روش‌های دیگر استفاده از گاز، محدود باشد؛ اما ارزیابی اقتصادی با اضافه شدن حلقه‌های پایین‌دستی تغییر می‌کند.

برش

طرح‌های جدید متانول باید به‌صورت جداگانه بررسی شوند

ساکت در بخش پایانی نشست، به وضعیت طرح‌های دارای مجوز تولید متانول پرداخت و گفت: طرح‌های مختلفی برای تولید متانول و برخی فرآورده‌های مرتبط تعریف شده‌اند که از نظر پیشرفت اجرایی، شرایط تأمین خوراک و وضعیت سرمایه‌گذاری یکسان نیستند. وی با اشاره به تعدادی از طرح‌های دارای مجوز توضیح داد که بعضی از آنها هنوز پیشرفت محدودی دارند و برخی دیگر در مراحل متفاوتی از اجرا قرار گرفته‌اند.

ساکت معتقد است تصمیم‌گیری درباره این طرح‌ها نباید به‌صورت یکسان انجام شود. به گفته وی، لازم است وضعیت هر طرح به‌طور مستقل بررسی شود تا مشخص شود سرمایه‌گذار چه تعهداتی داشته، چه میزان سرمایه‌گذاری انجام داده و دولت تا چه اندازه به تأمین خوراک آن متعهد شده است.

وی افزود: برخی طرح‌ها بر اساس مجوزهایی شکل گرفته‌اند که در زمان صدور آنها، تأمین خوراک گازی پیش‌بینی شده بود. بنابراین نمی‌توان بدون توجه به این سابقه، همه طرح‌های جدید را یکباره فاقد توجیه دانست. با این حال، ساکت محدودیت منابع گازی را نیز مورد توجه قرار داد و گفت: تأمین خوراک طرح‌های جدید به وضعیت تولید و مصرف گاز کشور در سال‌های آینده وابسته است. او در این زمینه به ضرورت افزایش تولید گاز، حفظ فشار مخازن پارس جنوبی، توسعه میدان‌های گازی کوچک‌تر و بهینه‌سازی مصرف در بخش‌های خانگی و نیروگاهی اشاره کرد. به گفته وی، بهبود وضعیت تولید و مصرف گاز می‌تواند ظرفیت جدیدی برای تأمین خوراک صنایع ایجاد کند، اما تصمیم‌گیری درباره زمان و امکان اجرای پروژه‌های پتروشیمی باید با توجه به شرایط واقعی انجام شود. ساکت تأکید کرد که بررسی موردی طرح‌های متانول، با در نظر گرفتن حقوق سرمایه‌گذاران و تعهدات دولت، مسیر مناسب‌تری برای اصلاح برنامه توسعه این صنعت است.



تغییر مستمر تصمیمات و مقررات، نشانه بی‌ثباتی در محیط اقتصادی است و آثار آن صرفاً به صنعت متانول محدود نمی‌شود. ساکت تأکید کرد که سرمایه‌گذاری صنعتی، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ پتروشیمی، نیازمند افق زمانی بلندمدت است. در چنین شرایطی، فعال اقتصادی باید بتواند درباره تأمین خوراک، مشوق‌ها و مقررات مؤثر بر فعالیت خود پیش‌بینی نسبتاً پایداری داشته باشد

وی توضیح داد که سرمایه‌گذاری برای تبدیل متانول به محصولات جدید می‌تواند درآمد و حاشیه سود حاصل از مصرف خوراک اولیه را افزایش دهد. ساکت در این زمینه به مسیرهای مختلف تبدیل متانول اشاره کرد و گفت: نباید توسعه زنجیره ارزش این محصول را صرفاً به یک فناوری یا یک محصول نهایی محدود کرد. به گفته وی، تولید الفین‌ها و پلی‌الفین‌ها از متانول یکی از مسیرهای شناخته‌شده است؛ با این حال، ارزش اقتصادی این مسیر نیز به میزان پیشروی در زنجیره و نوع محصول نهایی بستگی دارد. او توضیح داد که توقف در یک حلقه میانی ممکن است ارزش افزوده محدودی ایجاد کند، در حالی که تبدیل همان محصول به فرآورده‌های بعدی می‌تواند سودآوری بیشتری داشته باشد.

ساکت همچنین به زنجیره فرمالدهید و تولید محصولات مرتبط با آن اشاره کرد و گفت: فرمالدهید می‌تواند ماده اولیه تولید انواع رزین‌ها و محصولات صنعتی باشد. از نظروی، بررسی این زنجیره باید با توجه به بازار مصرف محصولات نهایی صورت گیرد. برای نمونه، تولید برخی رزین‌ها به وضعیت صنایع مصرف‌کننده، از جمله صنایع چوب، وابسته است و بنابراین توسعه ظرفیت تولید بدون توجه به تقاضای این صنایع، تصمیم مناسبی نخواهد بود.

وی در کنار این مسیرها به تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر، از جمله برخی ترکیبات شیمیایی و محصولات مرتبط با صنعت سیلیکون، اشاره کرد و گفت: بعضی از این زنجیره‌ها بیشتر از آنکه به مزیت خوراک ارزان وابسته باشند، بر فناوری و دسترسی به بازارهای تخصصی متکی هستند. ساکت بر این اساس تأکید کرد که انتخاب زنجیره پایین‌دستی باید بر اساس ترکیبی از دسترسی به مواد اولیه، سرمایه مورد نیاز، فناوری، بازار مصرف و حاشیه سود محصول نهایی انجام شود.

تجربه چین در تبدیل مواد اولیه به محصولات نهایی قابل توجه است

ساکت در ادامه به تجربه چین در توسعه صنایع شیمیایی پرداخت و گفت: چین با وجود محدودیت در دسترسی به برخی منابع انرژی، از زغال‌سنگ و متانول برای تولید محصولات مختلف استفاده کرده است. وی توضیح داد که در این الگو، متانول صرفاً یک محصول صادراتی نیست و می‌تواند به‌عنوان ماده واسط برای تولید الفین‌ها، محصولات پتروشیمی و حتی برخی سوخت‌ها به کار گرفته شود.

به گفته او، چین بخشی از نیاز خود به مواد اولیه صنایع پتروشیمی و فرآورده‌های انرژی را از طریق زنجیره‌هایی تأمین کرده که بر تبدیل زغال‌سنگ و متانول استوارند. ساکت با اشاره به فناوری‌های تبدیل متانول به الفین و بنزین افزود: این تجربه نشان می‌دهد که یک ماده اولیه را می‌توان در مسیرهای مختلفی به کار گرفت و انتخاب مسیر مناسب باید تابع نیازهای اقتصادی و صنعتی باشد.

وی سپس به رابطه تجاری ایران و چین پرداخت و گفت: چین بخشی از مواد اولیه مورد نیاز خود، از جمله متانول ایران، را وارد می‌کند و پس از فرآوری، محصولات نهایی را به بازارهای مختلف صادر می‌کند. ساکت با اشاره به صادرات محصولات ساخته‌شده از مواد پتروشیمی چین به بازار ایران و دیگر مناطق افزود: در چنین وضعیتی، ایران بخشی از مواد اولیه را صادر می‌کند، در حالی که ارزش افزوده مراحل بعدی تولید در خارج از کشور ایجاد می‌شود. او معتقد است این وضعیت ظرفیت مهمی برای تعریف همکاری‌های جدید صنعتی میان دو طرف ایجاد می‌کند.

همکاری با چین باید از صادرات مواد اولیه فراتر برود

رئیس کل امور تحقیقات بازار شرکت ملی صنایع پتروشیمی با طرح موضوع سرمایه‌گذاری مشترک گفت: همکاری با چین نباید صرفاً به فروش متانول و دیگر مواد اولیه محدود شود. وی با اشاره به ظرفیت بالای سرمایه‌گذاری خارجی چین توضیح داد که می‌توان در مذاکرات اقتصادی با این کشور، توسعه واحدهای فرآوری و تولید محصولات پایین‌دستی در داخل ایران را مطرح کرد. به گفته ساکت، در صورت تعریف پروژه‌های مشترک، بخشی از مواد اولیه‌ای که اکنون به چین صادر و پس از فرآوری به بازارهای دیگر منتقل می‌شود، می‌تواند در داخل ایران به محصولات با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شود. وی افزود: در این صورت، سرمایه‌گذاری و بخشی از ظرفیت تولید در ایران شکل می‌گیرد و محصولات تولیدشده می‌توانند علاوه بر بازار داخلی، به مقاصدی مانند آفریقا و اروپا نیز صادر شوند.

ساکت معتقد است در چنین الگویی، باید منافع مربوط به سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل، فرآوری و دسترسی به بازار میان طرف‌های تجاری بررسی شود تا همکاری مشترک برای سرمایه‌گذاران جذاب باشد. به اعتقاد وی، استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری و بازار چین می‌تواند یکی از مسیرهای توسعه زنجیره ارزش در صنعت پتروشیمی ایران باشد؛ مشروط بر اینکه طرح‌ها از نظر اقتصادی قابل اجرا باشند و محدودیت‌های موجود در مسیر سرمایه‌گذاری برطرف شوند.

توسعه زنجیره ارزش به سیاست‌گذاری پایدار و هماهنگ نیاز دارد

ساکت درمجموع سخنان خود، توسعه زنجیره ارزش متانول را مسئله‌ای فراتر از انتخاب میان صادرات گاز و تولید یک محصول پتروشیمی دانست. وی معتقد است حاکمیت باید اولویت‌های توسعه صنعتی را بر اساس مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی و راهبردی تعیین کند، برای سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های منتخب مشوق‌های پایدار در نظر بگیرد و در عین حال، امکان تصمیم‌گیری اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کند.

از نگاه وی، توسعه محصولات پایین‌دستی زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که سیاست تأمین خوراک، مدیریت بنگاه‌ها، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و انتخاب بازارهای هدف در یک چارچوب هماهنگ مورد توجه قرار گیرند. ساکت همچنین بر ضرورت تفکیک وضعیت واحدهای موجود از طرح‌های جدید تأکید کرد و خواستار آن شد که تصمیمات آینده، ضمن توجه به محدودیت‌های گازی کشور، سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده و تعهدات پیشین را نیز در نظر بگیرند.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۳ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۴
مدیر مسئول: مهدی مهرپور
چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲
Charsogh newspaper.com



معجزه کریدورها؛

۳ سال انتظار برای مدیریت یکپارچه دریا

گزارش

باگذشت ۳ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور، این بخش هنوز یک متولی یکپارچه برای پیشبرد اهداف ندارد.

توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمانی می‌تواند به افزایش سهم کشور از ترانزیت منطقه‌ای منجر شود که بنادر، ناوگان دریایی، خطوط ریلی و شبکه جاده‌ای در ارتباطی منسجم با یکدیگر فعالیت کنند. در غیر این صورت حتی افزایش ظرفیت بنادر و احداث خطوط جدید ریلی نیز به معنای افزایش جابجایی کالا نخواهد بود.

بررسی عملکرد بخش‌های مختلف حمل‌ونقل کشور نشان می‌دهد در کنار توسعه زیرساخت‌ها، محدودیت‌هایی در تأمین ناوگان دریایی، استفاده از ظرفیت انبارهای بنادر، اتصال به شبکه ریلی و هماهنگی میان دستگاه‌های متولی وجود دارد. مسائلی که موجب شده بخشی از ظرفیت‌های ایجادشده به بهره‌برداری کامل نرسد و فاصله میان اهداف برنامه‌ای و عملکرد واقعی حمل‌ونقل کشور همچنان پابرجا بماند.

در همین راستا مسعود پل‌مه دبیر انجمن شرکت‌های کشتیرانی و خدمات وابسته اوایل آبان امسال با اشاره به ظرفیت تقریبی ۳۰ میلیون تنی بنادر شمالی کشور اعلام کرد پیش‌بینی می‌شود در سال جاری دست‌کم ۱۲ میلیون تن تبادل تجاری در آبراه شمال انجام شود.

وی یکی از عوامل افزایش جابجایی کالا در این مسیر را تأمین کشتی‌های بیشتر عنوان و تأکید کرد: با افزایش تعداد شناورها، امکان پاسخ‌گویی به تقاضای انتقال کالا نیز افزایش می‌یابد.

پل‌مه در گفت‌وگو با تسنیم میزان استفاده از ظرفیت بنادر شمالی در بخش تبادل تجاری دریایی را حدود ۵۰ درصد اعلام کرد. وی همچنین گفت استفاده از ظرفیت انبارش کالا در این بنادر کمتر از ۳۰ درصد است و کمبود ناوگان دریایی و پایین بودن استقبال از فعالیت در حوزه خزر را از دلایل این وضعیت دانست.

نمونه دیگری از فاصله میان ظرفیت‌های پیش‌بینی شده و عملکرد بنادر را می‌توان در بندر کاسپین مشاهده کرد. به گفته مصطفی طاعتی‌مقدم، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد انزلی، این بندر برای جابجایی سالانه ۱۱ میلیون تن کالا طراحی شده، اما چهار پست اسکله عملیاتی آن در حال حاضر ظرفیت اسمی حدود ۲ میلیون تن دارند.

بر اساس آمار اعلام شده از سوی این مقام مسئول، میزان تخلیه و بارگیری کالا در بندر کاسپین از حدود ۸۰۰ هزار تن در سال ۱۴۰۳ به ۱٫۲ میلیون تن در سال ۱۴۰۴ رسیده است. همچنین در پنج ماه نخست سال جاری، ۳۵۰ هزار تن کالای اساسی از طریق این بندر وارد کشور شده است.

افزایش عملکرد بندر کاسپین در سال گذشته و ورود کالاهای اساسی در ماه‌های ابتدایی امسال، از رشد فعالیت این بندر حکایت دارد؛ با این حال، مقایسه ظرفیت طراحی‌شده با ظرفیت عملیاتی اعلام‌شده نشان می‌دهد توسعه زیرساخت‌ها همچنان باید با افزایش توان بهره‌برداری همراه شود. در این میان، تأمین ناوگان دریایی و تکمیل ارتباط بندر با شبکه حمل‌ونقل از جمله موضوعاتی است که در استفاده بیشتر از ظرفیت موجود اهمیت دارد.

سهم ۱۰ درصدی ریل از حمل بار؛ فاصله با هدف برنامه هفتم

در بخش حمل‌ونقل ریلی نیز آمارهای اعلام شده از فاصله میان اهداف برنامه‌ای و وضعیت فعلی حکایت دارد. میرحسن موسوی قائم‌مقام مدیرعامل راه‌آهن سوم آبان امسال سهم فعلی راه‌آهن از حمل بار کشور را حدود ۱۰ درصد اعلام کرد. این در حالی است که در برنامه هفتم توسعه، سهم ۳۰ درصدی برای حمل بار ریلی هدف‌گذاری شده است.

باید به این نکته اشاره شود که اتصال بندر به شبکه ریلی نیز به‌تنهایی به معنای انتقال مؤثر کالا نیست. برای آنکه این اتصال به جابجایی مستمر و اقتصادی منجر شود، تأمین واگن، تکمیل خطوط دسترسی، فراهم بودن تجهیزات تخلیه و بارگیری و امکان حمل یکسره کالا نیز ضرورت دارد. در غیر این صورت بخشی از ظرفیت ایجاد شده در زیرساخت‌ها بدون استفاده باقی می‌ماند.

توسعه دریامحور در انتظار مدیریت یکپارچه

در کنار مسائل زیرساختی، ناهماهنگی میان دستگاه‌های مسئول نیز از جمله موضوعاتی است که در ارزیابی اجرای سیاست‌های توسعه دریامحور مطرح شده است. سیدمهدی هاشمی، رئیس کمیسیون زیربنایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام همزمان با سومین سالروز ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور از سوی رهبر شهید انقلاب گفته بود که مدیریت یکپارچه در حوزه دریا همچنان شکل نگرفته است.

به گفته وی، برنامه دولت برای اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور با وجود برخورداری از اهداف و زمان‌بندی در برخی موارد مجری و متولی مشخصی ندارد و نمی‌توان با کلی‌گویی انتظار داشت این سیاست‌ها به مرحله اجرا برسند.

وی با بیان این که با گذشت ۳ سال از ابلاغ این سیاست‌ها، انتظار می‌رفت توجه و اهتمام بیشتری به اجرا این سیاست‌های ارزشمند صورت گیرد، افزود: جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان (جنگ تحمیلی سوم) به خوبی نشان داد که دریا تا چه اندازه می‌تواند به نقطه قوت یا در عین حال به یکی از نقاط آسیب‌پذیری کشور تبدیل شود. ایران از این موقعیت توانسته است بر معادلات جهانی تأثیر بگذارد و این ظرفیت می‌تواند منافع قابل توجهی برای کشور به همراه داشته باشد. همچنین در شرایطی که منابع و منافع کشور تأمین نشود، این ظرفیت می‌تواند هزینه‌هایی را به طرف‌های مقابل تحمیل کند.

هاشمی با اشاره به اینکه سیاست‌های کلی توسعه دریامحور در ۹ بند ابلاغ شده است، تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین محورهای این سیاست‌ها، سیاست‌گذاری و مدیریت یکپارچه در حوزه دریا بود. اکنون پس از گذشت ۳ سال باید پرسید آیا چنین سیاست‌گذاری و مدیریت یکپارچه‌ای در کشور شکل گرفته است؟ پاسخ منفی است و همچنان با فقدان مدیریت یکپارچه در این حوزه مواجه هستیم.

وی ادامه داد: بر اساس سیاست‌های ابلاغی، مقرر بود ظرف شش ماه برنامه جامع توسعه دریامحور تهیه شود. در دولت شهید رئیسی برنامه‌ای در این زمینه تدوین شد، اما این برنامه با ایراداتی مواجه بود. پس از تغییر دولت نیز درخواست بازنگری در آن مطرح شد و دولت متعهد شد ظرف سه ماه برنامه را اصلاح و به دستگاه‌های مربوط ابلاغ کند.

رئیس کمیسیون زیربنایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: این برنامه سرانجام در شهریورماه تصویب و ابلاغ شد، اما به نظر می‌رسد با وجود برخی نقاط قوت، همچنان اشکالات جدی در آن وجود دارد.

هاشمی با تأکید بر ضرورت تدوین برنامه‌های اجرایی و پرهیز از تکرار سیاست‌گذاری‌ها اظهار کرد: برای اجرای سیاست‌های کلی نباید دوباره به سیاست‌گذاری بپردازیم، بلکه باید برنامه‌ای ارائه شود که در آن اقدامات، زمان‌بندی و منابع مالی به‌صورت مشخص تعیین شده باشد.

وی با انتقاد از نامشخص بودن مسئولیت دستگاه‌های اجرایی در برنامه ابلاغی افزود: برنامه دولت برای اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور، اهداف و زمان‌بندی دارد، اما در برخی موارد مجری و متولی مشخصی برای تحقق این اهداف تعیین نشده است. نمی‌توان با کلی‌گویی انتظار داشت سیاست‌های ابلاغی به مرحله اجرا برسند.

وی با بیان اینکه کشور سه سال از فرصت اجرای این سیاست‌ها را از دست داده است، یادآور شد: در حال حاضر برنامه هفتم توسعه را در اختیار داریم و انتظار می‌رفت سیاست‌های کلی توسعه دریامحور در احکام و برنامه‌های آن به‌صورت عملیاتی مورد توجه قرار گرفته و در بخش‌های مختلف آن جاری و ساری شود.

به گزارش تسنیم، این مسئله در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که توسعه بنادر، تأمین ناوگان دریایی، اتصال ریلی و جاده‌ای و ایجاد زیرساخت‌های پسکرانه‌ای، هرکدام در اختیار دستگاه‌ها و مجموعه‌های مختلفی قرار دارد. در چنین شرایطی، نبود هماهنگی و تقسیم کار روشن می‌تواند اجرای برنامه‌ها را با کندی مواجه کند و مانع از آن شود که ظرفیت‌های ایجادشده در بخش‌های مختلف، در قالب یک زنجیره واحد به کار گرفته شوند.

آمارهای منتشرشده از عملکرد بنادر در کنار سهم فعلی حمل‌ونقل ریلی نشان می‌دهد ارزیابی وضعیت حمل‌ونقل و ترانزیت کشور نباید صرفاً بر اساس ظرفیت اسمی بنادر یا طول خطوط ریلی احداث شده انجام شود. شاخص اصلی میزان کالایی است که در عمل از این مسیرها عبور می‌کند و سهم هر شیوه حمل‌ونقل در جابه‌جایی آن است.

در این میان انتشار آمارهای تفکیکی و منظم درباره میزان تخلیه و بارگیری بنادر، تعداد شناورهای فعال، ظرفیت واقعی انبارها، سهم حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای، زمان توقف کالا و میزان استفاده از زیرساخت‌های پسکرانه‌ای می‌تواند تصویر دقیق‌تری از عملکرد شبکه حمل‌ونقل کشور ارائه کند. با این حال مسئله صرفاً به انتشار آمار و شناسایی محدودیت‌ها ختم نمی‌شود، مسئله اصلی همان است که رئیس کمیسیون زیربنایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیمه ماه جاری به آن اشاره کرد. یعنی مشخص بودن مسئولیت دستگاه‌ها و وجود نهادی برای هماهنگی میان آنها.

باگذشت ۳ سال از ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور و در شرایطی که برنامه هفتم توسعه نیز اهداف مشخصی برای افزایش سهم ایران از ترانزیت منطقه‌ای تعیین کرده است، این پرسش مطرح می‌شود که مسئول پیگیری و تحقق عملی این اهداف کیست؟

نماینده ویژه رئیس جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور و مکران چه اقداماتی برای ایجاد مدیریت یکپارچه، رفع ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و تعیین مسئولیت هریک از متولیان انجام داده است؟ آیا صرف برنامه‌ریزی برای برگزاری یک نمایشگاه دریایی می‌تواند گرهی از مشکلات هماهنگی بین بخشی در این حوزه باز کند؟ ضمن این که چه سازوکاری برای سنجش عملکرد این مجموعه و پاسخگویی آن در قبال نتایج اجرای سیاست‌های ابلاغی رهبر شهید وجود دارد؟

براساس سیاست‌های ابلاغی، مقرر بود ظرف شش ماه برنامه جامع توسعه دریامحور تهیه شود. در دولت شهید رئیسی برنامه‌ای در این زمینه تدوین شد، اما این برنامه با ایراداتی مواجه بود. پس از تغییر دولت نیز درخواست بازنگری در آن مطرح شد و دولت متعهد شد ظرف سه ماه برنامه را اصلاح و به دستگاه‌های مربوط ابلاغ کند

اصلاح ناترازی انرژی با شوک قیمتی ممکن نیست

عضو کمیسیون انرژی مجلس، راهکار مدیریت ناترازی انرژی را اصلاح تدریجی قیمت‌گذاری و حمایت از مصرف‌کنندگان دانست.

مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در کارگاه انرژی پیشگامان پیشرفت که به همت بسیج دانشجویی در دانشگاه تهران برگزار شد، گفت: ورودی انرژی ایران معادل حدود ۸ میلیون بشکه نفت خام در روز است؛ رقمی که مجموع نفت، گاز و سهم محدودی از انرژی هسته‌ای و خورشیدی را دربرمی‌گیرد. این انرژی پس از ورود به زنجیره تولید و تبدیل، میان بخش‌های مختلف توزیع می‌شود و درنهایت به مصرف‌کنندگان خانگی، صنعتی، نیروگاهی و سایر بخش‌ها می‌رسد. وی با اشاره به مسیر حرکت انرژی از مرحله تولید تا مصرف نهایی توضیح داد: بخشی از گاز وارد نیروگاه‌ها می‌شود و بخشی از نفت نیز در پالایشگاه‌ها به فرآورده تبدیل می‌شود. در این مسیر، بخشی از انرژی صادر می‌شود و بخشی دیگر به دلایلی مانند تلفات انتقال، بازدهی پایین نیروگاه‌ها و صنایع، نشتی، قاچاق و سرقت از دست می‌رود. در انتهای این زنجیره نیز بخش‌های مختلف مصرف، از جمله بخش خانگی، صنایع عمده، صنایع کوچک و اداری و نیروگاه‌ها قرار دارند.

سهم بخش‌های مختلف از مصرف انرژی

عضو کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه سهم مصرف بخش‌های مختلف باید با درنظرگرفتن دوره زمانی و شرایط آب‌وهوایی بررسی شود، افزود: به‌طور میانگین، سهم بخش خانگی از مصرف نهایی انرژی حدود یک سوم است. البته در فصل زمستان، به‌دلیل افزایش مصرف گاز خانگی، این سهم بیشتر می‌شود. صنایع عمده نیز سهم قابل توجهی از مصرف دارند و نیروگاه‌ها هم در کنار این بخش‌ها، از مصرف‌کنندگان اصلی انرژی هستند. شریعتی ادامه داد: در کنار بررسی سهم مصرف‌کنندگان، باید به میزان انرژی ازدست‌رفته نیز توجه کرد. برآوردها نشان می‌دهد حدود یک سوم از ورودی انرژی کشور، در مراحل مختلف تولید، انتقال و مصرف، به‌دلیل تلفات و بازدهی پایین از بین می‌رود. درحالی که در برخی بخش‌ها، از جمله نیروگاه‌ها و بعضی صنایع، میانگین بازدهی در حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد است، بخش قابل توجهی از انرژی اولیه به محصول یا خدمت نهایی تبدیل نمی‌شود.

وی با طرح این پرسش که برای اصلاح شدت مصرف انرژی چه باید کرد، اقتصاد انرژی و نحوه قیمت‌گذاری را از موضوعات اساسی این حوزه دانست و گفت: در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، چه در سطح خانوار، چه در بنگاه و کارخانه و چه در سطح دولت، هزینه‌ها و درآمدها باید در کنار یکدیگر بررسی شوند. خانوار درآمد و هزینه خود را می‌سنجد، بنگاه هزینه تولید و قیمت محصول را محاسبه می‌کند و دولت نیز با توجه به منابع و مصارف، بودجه خود را می‌بندد. بنابراین، ناترازی مالی در هریک از این سطوح می‌تواند بر تصمیم‌گیری و عملکرد آن بخش اثر بگذارد.

دو نگاه افراطی به قیمت انرژی

عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به دو دیدگاه رایج در تعیین قیمت انرژی، هر دو رویکرد را نادرست دانست و گفت: یک دیدگاه بر این مبناست که قیمت انرژی در داخل باید معادل قیمت صادراتی یا وارداتی، از جمله قیمت موسوم به «فوق خلیج فارس»، تعیین شود. بر اساس این نگاه، باید ارزش انرژی را با قیمتی سنجید که در صورت صادرات یا واردات آن به دست می‌آید یا پرداخت می‌شود.

شریعتی افزود: طرفداران این دیدگاه می‌گویند اگر انرژی در داخل مصرف نمی‌شد، می‌توانستیم آن را صادر کنیم و درآمد به دست آوریم؛ بنابراین مصرف داخلی هزینه فرصت دارد. اما نمی‌توان بدون توجه به شرایط اقتصادی کشور و توان پرداخت مردم، قیمت داخلی را به‌صورت مستقیم با نرخ‌های صادراتی یا دلاری برابر دانست. زندگی اقتصادی مردم، دستمزدها و بخش بزرگی از هزینه‌های کشور با ارز خارجی محاسبه نمی‌شود و قیمت‌گذاری دلاری می‌تواند به شوک‌های سنگین و فشار بر خانوارها و تولیدکنندگان منجر شود.

وی ادامه داد: افزایش ناگهانی قیمت انرژی ممکن است در کوتاه‌مدت مصرف را کاهش دهد، اما باید پرسید این کاهش مصرف به چه بهایی حاصل می‌شود. اگر خانوارهای کم‌درآمد یا متوسط به پایین، به‌دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه از مصرف ضروری خود محروم شوند، مسئله مدیریت مصرف حل نشده، بلکه بخشی از مصرف‌کنندگان از چرخه مصرف کنار گذاشته شده‌اند. چنین اقدامی به‌تنهایی به معنای بهبود بهره‌وری یا اصلاح شدت مصرف انرژی نیست.

این نماینده مجلس توضیح داد: برای اصلاح شدت مصرف انرژی باید میزان انرژی مصرفی برای تولید کالا و خدمات کاهش یابد، درحالی که سطح تولید حفظ شود. اگر تولیدی که پیش‌تر با ۱۰ واحد انرژی انجام می‌شد، با ۵ واحد انرژی انجام شود، بهره‌وری افزایش یافته است؛ اما اگر با افزایش شدید قیمت، کارخانه‌ها و کارگاه‌های ضعیف از فعالیت بازبمانند یا خانوارها از مصرف محروم شوند، صرفاً بخشی از مصرف و تولید حذف شده است.

چرا توزیع رایگان انرژی هم راهکار مناسبی نیست؟

شریعتی در توضیح رویکرد دوم گفت: در مقابل دیدگاه گران‌سازی، گروهی معتقدند چون منابع نفت و گاز متعلق به کشور و مردم است، انرژی باید با قیمت بسیار پایین یا به‌صورت رایگان در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد و به هجای افزایش قیمت، دولت باید قاچاق را مهار کند، تجهیزات را اصلاح کند و فناوری‌های جدید به کار بگیرد.

وی افزود: کنترل قاچاق، اصلاح تجهیزات و توسعه فناوری، اقداماتی ضروری هستند؛ اما از این ضرورت نمی‌توان نتیجه گرفت که هزینه تولید، انتقال و عرضه انرژی نادیده گرفته شود. دولت برای استخراج، فرآورش، انتقال و رساندن انرژی به مصرف‌کننده هزینه می‌کند. اگر درآمد حاصل از فروش انرژی حتی هزینه‌های واقعی این زنجیره را پوشش ندهد، توان دولت برای تأمین منابع موردنیاز، پرداخت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری در فناوری و زیرساخت کاهش می‌یابد.



عضو کمیسیون انرژی مجلس بر اهمیت سرمایه‌گذاری در فناوری و زیرساخت‌ها بر پیامدهای کم‌ارزش شدن انرژی گفت: وقتی یک منبع کمیاب، بدون درنظرگرفتن ارزش و محدودیت آن عرضه شود، زمینه مصرف بی‌رویه فراهم می‌شود. همان‌طور که فرد در مواجهه با محدودیت منابع مالی، هزینه‌های خود را مدیریت می‌کند، آگاهی از محدودیت منابع انرژی نیز باید در تصمیم‌گیری‌های مصرف‌کنندگان اثر بگذارد. منابع نفت و گاز فقط متعلق به نسل حاضر نیستند و در سیاست‌گذاری باید حقوق نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود.

شریعتی تأکید کرد: بنابراین، نه می‌توان با شوک قیمتی و دلاری‌سازی، گروهی از مردم و تولیدکنندگان را از چرخه مصرف و تولید حذف کرد و نه می‌توان منابع را بدون توجه به هزینه‌ها و محدودیت‌های آن مصرف کرد. سیاست صحیح باید میان عدالت اجتماعی، تأمین هزینه‌های واقعی، بهره‌وری و حفظ منابع برای آینده تعادل برقرار کند.

بهای تمام‌شده؛ مبنای محاسبه قیمت انرژی

وی با تشریح مبنای محاسبه بهای تمام‌شده گفت: برای تعیین قیمت واقعی یک محصول، باید همه عوامل تولید را محاسبه کرد؛ از زمین، مواد اولیه، تجهیزات، طراحی و مهندسی گرفته تا نیروی انسانی، مالیات، عوارض، هزینه‌های مالی و استهلاک. سپس مجموع این هزینه‌ها با توجه به میزان محصول تولیدشده محاسبه می‌شود تا بهای تمام‌شده هر واحد به دست آید. در فعالیت‌های اقتصادی، هزینه سرمایه‌گذاری و استهلاک تجهیزات نیز باید در دوره مناسب محاسبه شود و بنگاه بتواند با حاشیه سود معقول به فعالیت خود ادامه دهد.

شریعتی با اشاره به نمونه تولید بنزین گفت: در زنجیره تولید فرآورده‌های نفتی، هزینه‌ها از مراحل اکتشاف و استخراج آغاز می‌شود و فرآورش اولیه، بهره‌برداری، جداسازی، انتقال نفت با خط لوله به پالایشگاه، هزینه‌های پالایش، نگهداری تجهیزات و فناوری را دربرمی‌گیرد. پس از تولید نیز انتقال فرآورده به انبارها، نگهداری آن و حمل با تانکر به جایگاه‌ها هزینه دارد. هزینه‌های جایگاه‌داری، مالیات و عوارض نیز در ادامه این زنجیره قرار می‌گیرند.

وی ادامه داد: اگر بخواهیم بهای تمام‌شده هر لیتر بنزین را محاسبه کنیم، باید مجموع هزینه‌های واقعی این زنجیره را در نظر بگیریم. در عین حال، باید میان هزینه‌های ریالی و هزینه‌هایی که به‌دلیل واردات فناوری، تجهیزات یا لایسنس با ارز خارجی انجام می‌شود، تفاوت قائل شد. همه هزینه‌های یک پالایشگاه دلاری نیستند و نمی‌توان تمام قیمت را با نرخ صادراتی سنجید؛ همان‌طور که نمی‌توان هزینه‌های واقعی تولید و انتقال را نادیده گرفت.

عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به اختلاف میان قیمت فعلی و هزینه‌های زنجیره تولید گفت: وقتی درآمد حاصل از فروش انرژی کمتر از هزینه‌های واقعی آن باشد، منابع لازم برای تداوم تولید و سرمایه‌گذاری تأمین نمی‌شود. این مسئله درنهایت به ناترازی مالی دولت و محدود شدن امکان تأمین منابع برای تولید، زیرساخت و سیاست‌های حمایتی منجر می‌شود.

پیوند قیمت انرژی با منابع یارانه‌ای دولت

شریعتی با اشاره به ارتباط درآمدهای انرژی با منابع حمایتی دولت اظهار کرد: بخشی از منابعی که برای پرداخت یارانه‌ها و تأمین منابع سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها به کار می‌رود، از محل فروش داخلی حامل‌هایی مانند گاز، بنزین، گازوئیل، نفت سفید و سایر فرآورده‌ها تأمین می‌شود. اگر قیمت فروش این حامل‌ها به‌طور مستمر پایین‌تر از هزینه‌های واقعی باقی بماند، منابع موردنیاز برای تأمین هزینه‌ها و اجرای سیاست‌های حمایتی محدود خواهد شد.

وی تأکید کرد: راهکار این نیست که بهای تمام‌شده از همه مصرف‌کنندگان، بدون تفکیک و ملاحظه شرایط اقتصادی، دریافت شود. دولت باید با شناسایی دقیق‌تر وضعیت خانوارها و گروه‌های نیازمند، حمایت را به کسانی اختصاص دهد که واقعاً به آن نیاز دارند. یارانه برای کمک به افراد نیازمند است و اگر منابع حمایتی بدون توجه به میزان نیاز میان همه توزیع شود، بخشی از منابع به گروه‌هایی می‌رسد که برای دریافت حمایت اولویت ندارند.

تأمین یارانه از مسیر مالیات و عوارض بر مصرف مازاد

عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به ضرورت اصلاح نظام حمایتی گفت: بخشی از مصرف‌کنندگان باید بتوانند انرژی را با قیمتی پایین‌تر از بهای تمام‌شده دریافت کنند؛ اما هزینه این حمایت باید از محل مشخص و پایداری تأمین شود. یکی از راه‌ها، دریافت مالیات و عوارض از مصرف مازاد و از گروه‌هایی است که مصرف بالاتر با توان مالی بیشتری دارند.

شریعتی افزود: منطق این سیاست آن است که حمایت از مصرف‌کنندگان نیازمند در نظر گرفته شود و هزینه آن از منابعی مانند مالیات بر مصرف مازاد و عوارض تأمین شود. در این چارچوب، مصرف پایین‌تر از بهای تمام‌شده می‌تواند مشمول حمایت باشد و مصرف بالاتر از سطح تعیین‌شده، متناسب با میزان مصرف، هزینه بیشتری داشته باشد. این تفکیک می‌تواند هم به حفظ حمایت از خانوارهای نیازمند کمک کند و هم فشار مالی حمایت را به‌صورت هدفمند توزیع کند.

وی با اشاره به قوانین مرتبط با مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی گفت: در کنار سیاست‌های انرژی، اجرای قوانین مالیاتی نیز اهمیت دارد. فعالیت‌های غیرمولد و نگهداری دارایی‌های متعدد با هدف سوداگری، از جمله مواردی است که باید در نظام مالیاتی مورد توجه قرار گیرد. همچنین، مالیات بر مصرف مازاد می‌تواند بخشی از ابزارهای تأمین منابع و تنظیم مصرف باشد.

ضرورت اجرای همزمان سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی

شریعتی با تأکید بر اینکه اصلاح قیمت به‌تنهایی کافی نیست، گفت: سیاست‌های قیمتی باید در کنار سیاست‌های غیرقیمتی اجرا شوند. اگر دولت تنها به افزایش قیمت تکیه کند، ممکن است شوک قیمتی و آثار تورمی ایجاد شود و در شرایط تورمی و رکودی، فشار بیشتری بر خانوارها و بنگاه‌ها وارد آید.

وی سیاست‌های غیرقیمتی را شامل اصلاح ساختارها و روندها، بهبود تجهیزات، صرفه‌جویی، پرداخت پاداش برای کاهش مصرف و فرهنگ‌سازی دانست و افزود: باید همزمان با اصلاح تدریجی قیمت‌ها، زمینه کاهش مصرف از طریق بهبود فناوری و اصلاح تجهیزات فراهم شود. در غیر این صورت، ممکن است از مردم انتظار کاهش مصرف داشته باشیم، درحالی که ابزار و امکان لازم برای این کار را در اختیار ندارند.

عضو کمیسیون انرژی مجلس برای توضیح این موضوع به وضعیت خانوارهای کم‌درآمد اشاره کرد و گفت: برخی خانوارها امکانات محدودی دارند و از تجهیزات پرمصرف متعددی برخوردار نیستند که بتوانند با تعویض آن‌ها مصرف خود را کاهش دهند. اگر چنین خانواری تنها با توصیه به صرفه‌جویی روبه‌رو شود، اما منابع مالی لازم برای خرید تجهیزات کم‌مصرف را نداشته باشد، امکان مشارکت مؤثر در برنامه‌های صرفه‌جویی را پیدا نمی‌کند.

وی افزود: همین مسئله درباره حمل‌ونقل نیز وجود دارد. فردی که خودرو ندارد یا امکان خرید خودروی مناسب و کم‌مصرف برای او فراهم نیست، نمی‌تواند به همان شیوه‌ای در برنامه‌های کاهش مصرف سوخت مشارکت کند که یک مصرف‌کننده برخوردار امکان آن را دارد. بنابراین، برنامه‌ریزی برای کاهش مصرف باید تفاوت سطح درآمد و امکانات خانوارها را در نظر بگیرد.

بازنگری در الگوی مصرف و توجه به سطح رفاه خانوار

شریعتی با اشاره به نظام تعرفه‌گذاری پلکانی برق و گاز گفت: تعیین الگوی مصرف و افزایش پلکانی قیمت برای مصرف بالاتر از الگو، می‌تواند تا حدی به مدیریت مصرف کمک کند؛ اما صرفاً در نظر گرفتن یک خط مبنا کافی نیست. ممکن است برخی خانوارها کمتر از الگوی مصرف، نه به دلیل بهره‌وری یا استفاده از تجهیزات کم‌مصرف، بلکه به‌دلیل فقر و محدودیت امکانات مصرف کنند.

وی ادامه داد: اگر خانواری زیر سطحی از مصرف باشد که برای برخورداری از حداقل رفاه لازم است، نمی‌توان کم‌مصرف بودن آن را نشانه بهره‌وری دانست یا صرفاً از آن انتظار مشارکت در طرح‌های پاداش صرفه‌جویی داشت. این خانوار ممکن است اساساً امکان مصرف بیشتر یا تعویض تجهیزات را نداشته باشد.

عضو کمیسیون انرژی مجلس توضیح داد: در سیاست‌گذاری باید هم الگوی مصرف و هم سطح رفاه خانوار مورد توجه قرار گیرد. این دو شاخص باید به‌تدریج و در یک دوره زمانی مناسب به یکدیگر نزدیک شوند؛ به این معنا که از یک سو، با اصلاح تجهیزات و رفتار مصرفی، الگوی مصرف کاهش یابد و از سوی دیگر، خانوارهایی که زیر سطح رفاه مناسب قرار دارند، با سیاست‌های حمایتی به سطحی از مصرف دسترسی پیدا کنند که نیازهای متعارف آن‌ها را تأمین کند.

شریعتی تأکید کرد: چنین تغییری یک‌شبه انجام نمی‌شود و باید تدریجی باشد. در این مسیر، سیاست‌های قیمتی برای مصرف بالاتر از الگو، سیاست‌های غیرقیمتی برای افزایش بهره‌وری و سیاست‌های حمایتی برای خانوارهای نیازمند باید در کنار هم قرار گیرند.

وی با اشاره به ظرفیت گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی گفت: خانوارها یا بنگاه‌هایی که امکان کاهش مصرف دارند، باید بتوانند از صرفه‌جویی خود منفعت اقتصادی به دست آورند. اگر مصرف‌کننده‌ای با اصلاح تجهیزات یا تغییر شیوه مصرف، میزان مصرف خود را کاهش دهد، می‌توان میزان انرژی صرفه‌جویی‌شده را در قالب گواهی ثبت کرد و امکان فروش آن را در بازار انرژی برای او فراهم ساخت.